

دانلود رایگان جزوه حقوق مدنی 2

[برای دانلود جزوه اینجا کلیک کنید](#)

باید توجه داشت که واژه مقابل عین، دین (ذمه یا گرده یا عهده) است نه منفعت!

و یادمان باشد که عین مال، جدای از منافع آن نیز متصور است.

اقسام عین: در ابتدا باید عرض کنیم که هدف ما از ذکر اقسام یا ثمره، در تمییز و تشخیص عقد بیع روشن می شود چرا که به موجب ماده ی 338 ق.م. "عقد بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم" و این عین، عین معین است و اگر عین، عین معین نباشد، عقد تملیکی نیست. عقد در صورتی تملیکی است که عین معین باشد در غیر این صورت عقد عهده ای است. در صورت اول عینی انتقال پیدا می کند ولی در مورد دوم فقط شخص متعهد می شود که بعداً عین را معین کند و تسلیم نماید. با توجه به ماده ی 350 و 402 ق.م. عین به سه قسم است: 1- عین معین یا شخصی یا خارجی 2- کلی در معین 3- کلی در ذمه.

الف) عین معین یا شخصی: "عین معین آن مالی است که در عالم خارج از دیگر اموال متمایز و مشخص گردیده به نحوی که قابل اشاره گذشته است." مثلاً وقتی یک کتاب طوری معین شود که قابل اشاره باشد می گویند عین معین. و اصطلاح دیگر آن عین شخصی یا خارجی است. عین معینی که تمامش متعلق به یک فرد باشد یعنی یک شخص واحد، مالک کل عین معین باشد مفروز گویند. ولی ممکن است عین معین مشاع باشد یعنی دارای مالکین متعدد باشد که در این صورت عین معین را مشاع گویند و شرکا نسبت به سهم خود در تمام اجزا شریک اند به نحوی که نتوان قسمت خاصی از مال را از آن یکی دانست در مال مشاع هر یک از اجزاء عین، موضوع حق تمام شریکان است و هیچ یک از مالکان نمیتواند ادعا کند که بخش معین تنها به او تعلق دارد. مثلاً اگر خانهای 3 اتاق دارد و مشترک باشد بین 3 مالک، هر یک از اتاقها به تمام مالکان تعلق دارد و هیچ یک بی اذن دیگری نمیتواند در اتاق مستقلی تصرف کند و آن را ملک انحصاری خود بشمارد. از اوصاف مالکیت این است که مالک این اجازه را می دهد که از تجاوز دیگران به حریم مالکیت خود ممانعت به عمل آورد. حال این حق مالکیت در مال مشاع نیز دارای این وصف است ولی به نحو خاصی که همه ی شرکا در همه ی ذرات مال به نسبت سهم خود شریک هستند که البته تمییز و تشخیص آن از هم مقدور نیست. بنابراین شریکی که بدون اذن دیگر شرکا در مال مشاع تصرف می کند، در واقع در مالی تصرف کرده که خود او نیز شریک است ولی چون سهم هنوز متمایز نشده این تصرف به منزله ی تصرف در مال غیر است و طبق وصف مالکیت اشخاص نباید به حریم مالکیت دیگران تجاوز کنند. پس قاعده ی مورد پیروی در مال مشاع این است که:

"هیچکدام از شرکا نمی توانند بدون اذن دیگر شرکا در مال مشاع تصرف به عمل آورند." البته هر یک از شرکا هر وقت که خواستند می توانند درخواست افزایش مال بدهند ولی تا وقتی مفروز نگشته قاعده بالا بر آن حکومت دارد.

عینی که وجود خارجی دارد یا حاضر است یا غایب. عین معین حاضر آن است که دیده می شود و عین معین غایب به فروش ماشینی میماند که در پارکینگ است و دیده نمی شود. معامله هر دو درست است ولی اگر عین معین غایب باشد نیاز به توصیف دارد مگر این که قبلاً رؤیت شده باشد.

ب) کلی در معین: (در حکم معین) - در حکم عین معین

همان طور که از ماده ی 350 ق.م. برمی آید هر وقتی که موضوع تعهد مقدار معین، به طور کلی از شی متساوی الاجزا (مثلی) باشد در این حالت موضع تعهد در حکم عین خارجی یا معین است. شی متساوی الاجزا شی ای است که اجزای آن با هم برابر باشد. مثل گندم. پس وقتی شی ای در حکم عین معین میشود که موضوع تعهد مقدار معین به طور کلی از شی متساوی الاجزایی باشد. مثلاً وقتی 2 خروار گندم از انبار معین می خریم درست است که 2 خروار به طور کلی خریداری شده ولی گفتیم که حتماً باید از انبار به خصوصی داده شود.

یا مثلاً مثلاً در فضایی 100 عدد خودروی پیکان سفید رنگ یک مدل وجود دارد یکی از این صدتا را میخواهیم بخریم ولی کدام؟ نمی دانیم. پس کلی در معین است.

تفاوت میان عین در حکم معین با مبیعی که مشاع باشد : برای روشن شدن موضوع تعهد فرض مذکور یک مثال می زنیم : مثلاً انبار گندم به مقدار 100 خروار در اختیار بایع است . حال اگر شخصی 20 خروار از این گندم را بخرد بایع میتواند از هر گوشه ی انبار این 20 خروار را بدهد. ولی اگر خریدار به طور مشاع مثلاً یک پنجم از این انبار را بخرد در اینجا اگر چه مقدار آن همان 20 خروار میباشد ولی از آنجا که به طور اشاعه خریده در کل انبار با بایع شریک شده اند.

ثمره ی این تمییز در بعضی مواقع به خوبی روشن می شود مثلاً اگر انبار آتش گرفت و 80 خروار گندم سوخت و 20 خروار باقی ماند در صورتی که موضوع تعهد در حکم عین معین باشد در اینجا 20 خروار گندم نسوخته متعلق به خریدار است ولی اگر موضوع تعهد مال مشاع باشد در اینجا بایع و مشتری در همان 20 خروار هم شریکند یعنی چهار پنجم آن متعلق به بایع و یک پنجم آن متعلق به مشتری است.

توجه: پس «، در کلی در معین ۶ هر گاه موضوع تعهد مقدار معینی از مالی باشد که اجزایش از هر حیث با هم برابر است به اصطلاح قانون مدنی آن موضوع در حکم عین خارجی است (ماده